

از این هفته  
باد و باد آوران  
انری از دکتر  
علی شریعتی

آخرین  
حوادث  
وماجرای  
رو

گزارش  
خبر نگاران  
باعتکسهای  
اختصاصی  
زندگان اسرار آمیز  
ساواک اویر

در کنار مزار  
دکتر مصدق:  
مصدق، سالهای  
آخر عمر خود را  
چگونه گذراند...  
از زبان کسیکه  
همدم او بود

# یاد ویاد آوران...

نقش انقلابی «بانه» و «یاد آوران»

پیمای دارو، برای شنونده‌ای پر درد  
مطالعه کردن، اندیشیدن، جستجو کردن، تحقیق  
کردن، پرسیدن و یافتن، کار همیشه من است. و  
طرح یافته‌ها، دلیل خواندن و نوشتن و گفتن.  
اگر میخوانم، میجویم، میبایم و میگویم،  
انگیزه‌ام دردی است که ریشه در جاتم دارد و اگر  
از اینهمه سرتابم، درد جان یکی شده، خواهم  
کنم، بیماری مرگ آوری هست که بتاریخ و  
فرهنگ و مذهب و مردمان، هجوم آورده است. و  
یک لحظه عظمت، همه چیز را نابود خواهد کرد.  
این است که آرام نمی یابم، چرا که درد  
شدیدتر از آنست که فرصت آرامشی بدهد و  
بیماران، به مرگ نزدیک تر از آن که بتوان به  
خوشایند و بدایند دیگران اندیشید.

می بینید که من، طیب بی دردی نیستم که  
رام و منظم، معاینه کنم و نسخه بنویسم، بلکه  
دردمندی در انبوه دردمندانم، با این تفاوت درد را  
شاید اندکی بیشتر از برخی جهاتیان درد احساس  
میکم، و مسترلیت را از برخی مسترلان رسمی  
شدیدتر و عمیق تر می‌شناسم و شاید هم چنین نباشد  
و فقط بیقرارتر از آنم که بتوانم مصلحت اندیشی  
کنم و بی نام و نان تر از آن که محافظه کاری را  
توجه عقلی نامیم و فقط متوجه باشم که چیزی  
بگویم و جوری که نه سیخ بسوزد و نه کباب،  
پس، نه نویسنده حرفه‌ایم و نه گوینده حرفه‌ای، و  
شنونده من نیز نمی تواند حرفه‌ای باشد.

من، در کنار کارهای معمول نیست که  
می‌نویسم و میگویم، و نوشتن و گفتن را بعنوان  
کاری نیز، نگریده‌ام، که این، فریاد شب و روز  
من است و صدای تنفس، و اگر نجویم و نیایم، و  
نریسم و نگویم، مرده‌ام.

این است که برای نوشتن و گفتن، وقت  
نمی‌شناسم - و مگر میشود که برای نفس کشیدن،  
وقت خاصی معین کرد؟ و برای درد کشیدن و  
فریاد زدن، ترتیب و آدابی نمی‌جویم و کار مهمتری  
- یعنی اصلا کاری - نمی‌شناسم که برای -  
رسیدگی بدان، مدتی از نفس کشیدن، دست  
بشویم. و بالطبع خواننده و شنونده‌ام نیز، باید  
چنان بخواند و بشنود، که کند پنداری نفس میکشد  
همچنانکه نفس میکشم و زنده‌ام.

پس میان گوینده و شنونده‌ای چنین، رابطه‌ای  
هست که نمیتواند با رابطه گویندگان و شنوندگان  
و خوانندگان عادی طبیعی، معقول، منطقی و  
حرفه‌ای، یکی باشد.

\*\*\*

زمانی، با حالتی غیر عادی - و با احساس  
اینکه در مستمعینم نیز، چنین حالتی وجود دارد -  
این ساله را مطرح می‌کردم که اگر «تشیع  
صفوی» را کنار بگذاریم و با «تشیع علوی»  
رابطه‌ای مستقیم بیابیم، تائیش مستنیش -  
بی آنکه از فیلترهای صفوی بگذرد - بر قلبهایمان  
بنابد و جدان امروز - دنیای سوم، و نسل عاصی  
قرن، و وجدان مسئول و آگاه مسلمان - در تمام دنیا  
- شعارهای اصلی تشیع را - امامت، عدالت، ایمان



# ملاقات



رهبر انقلاب ویاسر عرفا



و وحدت - خواهند پذیرفت. که شعارهای اصلی  
دنیای امروز، «ایمان» - در غرب - عدالت و مبارزه  
ضد طبقاتی - در دنیای سوم - و ایمان و عدالت و  
مبارزه با استثمار طبقاتی و بالاحص  
وحدت در برابر امپریالیسم و صهیونیسم - در  
دنیای اسلام - است، و اینها شعارهای اصلی تشیع  
علوی است... و آنوقت مستمعی - که از شنوندگان  
حرفه‌ای بوده است و از آنهایی که کار و زندگی  
دارند. و فرصشان را بین شغل و خانواده و تفریح  
و سلامت و احتیاجات بسیار معقول و منطقی  
شان، تقسیم میکنند و اندکی راه به کارهای خیر  
و امور - دینی می‌بخشند - صدایش در آمده است  
که: با خانم قرار گذاشته بودم که ساعت ۱۰/۵ به  
چلوکبابی برویم ولی تا حالا که ساعت ۱۱ است،  
هر دو منتظر مانده‌ایم و برنامه مان در هم ریخته  
است... می بینید که نه این میتوانست شنونده فریاد  
درمان باشد، و نه ما گوینده این چنین بی دردانی  
که پرداختن به دین و اعتقاداتشان، برنامه‌ای دارد  
که گاهی پیش از چلوکبابی است و گاهی بعد از  
چلوکباب...

\*\*\*

در زیر تیترا «نقش انقلابی یاد (ذکر) و یاد آوران  
(ذاکرین) در تاریخ شیعه، می‌خواهم نقش انقلابی  
همه عقاید و شعائر اختصاصی شیعیان را مطرح  
کنم. عقاید و شعائری که امروز در چشم یک  
روشنفکر آگاه و مسئول اجتماعی - که پیشی  
علمی و مترقی هم دارد - موهوم و بی منطق و  
تقدیر کننده و ارتجاعی، تجلی میکند، و چه  
مذهبی باشد و چه غیر مذهبی، چه شیعی خالص و  
معتقد باشد و چه غیر شیعی، در محکوم کردن این  
دسته از عقاید و شعائر تردید ندارد. و ماخوذ نیز  
که به تشیع معتقدیم و مذهبی بسیار مترقی و  
نجات دهنده و آگاهی بخش - حتی برای انسان  
امروز می‌شماریم و می‌شناسیم، این مسائل را  
پسندت محکوم می‌کردیم و معتقد بودیم که باید  
مبارزه کرد و از میانشان برداشت، تا بتوان ذهن  
جامعه را سستشو داد و برای پذیرش عقاید و  
شعائر اصلی و اساسی تشیع آماده کرد.

بنابراین موضوع سخن من، اعتقادات و  
شعارهای - انحرافی و سنت‌ها و تظاهرات و  
اعمالی است که در نظر روشنفکران مترقی که  
حتی شدت شیعی هم هستند - عامیانه و منطوط  
محکوم جلوه میکند. در اینجا می‌خواهم، اعتقادات  
و احکامی را که مورد ایراد و انتقاد قرار می‌گیرد،  
مشخص کنم، و روشن کنم که چرا این اعتقادات،  
از طرف تپ‌ها - و منجمله خود من - انتقاد میشده  
و با تشیع نخستین - یعنی تشیع علی و عترت و

خاندان پیغمبر، که اسلام - راستین و حقیقی است  
- مفایر و متناقض، تلقی میشده است.  
سنجش واقعیت‌ها با ظرف زمان و مکان  
خاصشان بنابه یک اصل جامعه شناسی، مفهوم و  
رسالت و نقش بسیاری از مفاهیم و اعمال، در  
طول تحول جامعه و در مسیر دگرگونی‌های  
زمان و تاریخ، دگرگون میشود و این تغییر و  
دگرگونی، فاصله ایست از «مبشبت» تا «منفی»، از  
انقلابی ترین نقش، تا ارتجاعی ترین نقش.  
تاریخ و تحول اجتماعی و اختلاف میان  
نظامهای اجتماعی، گاهی یک مفهوم و یک پدیده  
را آنچنان تغییر میدهد که «خیر» به «شر»،  
«ارتجاعی» به «انقلابی» و «انقلابی» به  
«ارتجاعی» تبدیل میشود و «منطقی»، «غیر  
منطقی» و «غیر منطقی»، «منطقی» جلوه میکند.  
این است که غیر از حقایق و اصول مطلق -  
مقصودم حقایق و اصول ماوراء طبقاتی، و  
بالاصطلاح علمیش ماوراء تاریخی است که  
در همه نظامهای اجتماعی و اعمال و افکار بشری  
در ظرف زمان و مکان خودشان معنایی دارند که  
چون این ظرف زمان و مکان - یعنی وضع  
اجتماعی - تغییر میکند، آن معنا هم دگرگون  
میشود.

لطفا بقیه را در صفحه ۵۹ مطالعه فرمائید.

\*\*\* شنبه شب همین هفته  
چریکهای فلسطین، بدون کمتر  
ایران شد. قصد عرفات از این  
گفتن به رهبر انقلاب، به خان  
ایران بود.  
ساعت شش و بیست دقیقه  
یاسر عرفات و گروهی دیگر  
الفتح با هواپیما از راه بیروت  
شدند.  
با ورود یاسر عرفات و  
سالن فرودگاه سرود «الله اکبر»  
گروه ضربت نیروی هوایی خود  
ها هم، سرود فلسطین را خواندند  
فلسطینی‌ها، در میان مردم  
خمینی، را که در آنها شسته شد



در پشت یکی از این عکسها که ضمیمه پرونده‌ای شده بود مطالبی نوشته شده است که عیان آن را متعکس می‌نمایم بطرف می‌رسد از این نوشته به عنوان مدرک جرم استفاده شده است نویسنده در پشت عکس نوشته است که لطفاً به ارشاد مردم پرداخته و در جلسات ادبی و بحث شرکت کرده و در پارک های نازی آباد و کودک جوانه و هنر سه به بحث و ارشاد مردم می‌پردازد.

طولانی خود را بر او بر گزیده‌اند به حضرت آیت الله میگویم اکنون که رژیم طاقانی مغرض گردیده و این اهزای قرون وسطی به تسخیر خلق مسلمان درآمده است حضرت آیت الله چه احساسی دارد؟

آیت الله طاقانی می گویند من ۳ سال را در بدترین شرایط در همین اوین بودم سلول من یک سلول کوچک نمور بود که حتی پنجره کوچک آن را با رنگ سیاه آغشته بودند ۳ سال تمام من در این سلول کوچک زندگی کردم و در طول ۲۲ ساعت شبانه روز فقط یک ساعت از سلول بیرون می آمدم که در این مدت یکساعت به دستشویی توالت و حیاط کوچک پشت زندان می رفتم. در این ۳ سال تنها فاصله‌ای را که من و هم سلولی هام می پیچیدیم فاصله کوتاه دستشویی تا سلول بود اکنون آمده‌ام تا از نزدیک شاهد فتح این زندان باشم زیرا هنوز هم در رویا هستم و باور کردن تسخیر این زندان هولناک که سالیان دراز فرزندان مبارز خلق را در خود جای داده بود برایم باور نکردنی است.

در مصفوفات اسلامی به که اعرای عدل و انصاف ستمشق آن است موردی برای قانون شکنی نخواهد داشت پس دیگر نیازی هم به زندان برای به حبس کشیدن مردم نخواهد بود اگر کسی هم پیدا شود که بدون آنکه نیاز داشته باشد ترویج کند باید بطرفی او را مستقیم کرد و اگر شد در این مورد در قوانین اسلامی مجازات های لازم پیش بینی شده است که به اجرا گذاشته خواهد شد بنا بر این فقط ممکنست بازداشتگاه های موقتی داشته باشیم که اگر خدای بزرگ کرده کسی جرمی مرتکب شد تا انجام مجازات لازم نگهداری شود همچنین است در مورد قتل نفس در مورد زندانیان سیاسی هم باید گفت که در حکومت اسلامی ما زندانی سیاسی نخواهیم داشت زیرا در حکومت اسلامی هر کس حق ابراز عقیده و اعتراض دارد و تا زمانی که اعتراض سیاسی به قتل نفس و جنایت الوده شود ابرازی ندارد در حقیقت همه زندانیان دوران رژیم گذشته زندانی اعتراض خود بوده‌اند لطفاً بقیه را در شماره آینده مطالعه نمایند

## یاد و یاد آوران

بقیه از صفحه ۲

تحول نظامهای اجتماعی از منهای بی نهایت تا باضافه بی نهایت تغییر میکند و از صورت مترقی ترین پدیده - ها، بصورت منحل ترین پدیده‌ها در میآید.

در اینجا لازم میدانم که باز تکرار کنم که مقصودم عقاید و احکامی نیست که مطلقند و ماوراء تاریخ و طبقات و اقتصاد و اجتماع و مثل «قوانین طبیعت» - نه طبیعت که در حال تغییر دائمی است - همیشه ثابتند.

کشف این دگرگونی و تحول برای من سخت نکان - دهنده و هيجان انگیز بود چرا که بیش از این مسائل اعتقادی و علمی بی را که در جامعه کنونی شیعه وجود دارد و اعرافی تلقی و ارزیابی میشود همه میگردیدیم - و میگویم - و انتقاد میکردیم و بشدت آرزو میکردم که اینهمه از بین برود و جایشان را به حقایق نخستین شیعه بدهند. غافل از اینکه همیشه مسائل و اعتقادات و اعمالی بوده‌اند که در طی سرنوشت ویژه تاریخی شیعه نقش انقلابی، منطقی و نجات دهنده داشته‌اند.

چنین است که اکنون میخواهم آنچه را آموخته‌ام چون - درسی برای خود و دیگران مطرح کنم و بگویم هرگاه یک پدیده مذهبی را جناسی - برادر جامعه مان یافتیم و ارزیابی کردیم و با منطق سنجیدیم و با مستولیت هایی که امروز مطرح است. مقایسه کردیم و غیر منطقی و محکومش یافتیم. ضابطه علمی زمان و ملاک تاریخ یعنی سرنوشت خاصش را در تقدیر تاریخش نیز مورد نظر قرار دهیم و با پیاده کردن در زمان و مکان خاصش ارزیابی کنیم پس برای شناخت و فهم عمیق و علمی پدیده های اعتقادی و علمی و اجتماعی مذهبان و برای آگاهی از رسالت خاصی که شیعه در تاریخ اسلام - هم از نظر مذهبی و هم اجتماعی - داشته است. باید مسائلی را که هم اکنون با آنها تخاصم داریم

و گونه نیاز به معنویت و دغدغه یافتن حقیقت - حتی در جامعه عقب مانده فرهنگی ما - هرگز به اندازه امروز نبوده است. و جوان تحصیل کرده امروز که به اعتراض از دین متهم است. بیشتر از نسل پیش و نسل پیشتر - که به اعتقاد دینی و حقیقت پرستی متهم است - کنجکاری و کنش و تعامیل دارد و هرجا که به زیباتش حرف زده‌ایم. بیشتر از آنچه به تو و حتی به کسانی که سر - نوشتش را در اختیارشان میبید - توجه داشته. گوش سپرده است. و دانشجویان ما. کتابهای مذهبی نوشته شده به زبانشان را. بر کتابهای درسیشان نیز حتی در - شب امتحان - ترجیح داده‌اند. و تا جایی که توانسته‌اند از کلاسهای درس گریخته‌اند و به جاهایی آمده‌اند که مذهب را با زبان واصطلاحات و استدلالات خودشان میشنیده‌اند بی جهت نیست که معدل تیراژ کتابهای مذهبی نوشته شده بزبان این نسل. بیست هزار است و معدل کتابهای هنری و شعر و ادبیات و امثال اینها - که بشدت دارند مدعیکنند و مد میشود - دو هزار. این نیاز و این شور. کمی کجا بوده است و اکنون هست و اگر زبانانشان آشنا باشی و زبانان را بفهمند و بپذیرند -

و اختلاف ما نیز. سوء تفاهاتی است که نتیجه دوگانگی زبان است. چون زبان ما. سوای زبان اوست. اختلاف زبان را. اختلاف عقیده پنداشته است. مثلاً وقتی مطرح میکنم که یکی از اصول اسلام ایجاد رابطه مستقیم است میان اسنان و خدا. از من میپرسند. پس وجود علمای مذهبی و روحانیون اسلام و شیعه را چه میگویی؟ و من در همان «اسلام شناسی». در پاسخ این پرسش گفته‌ام که:

«گسترش مسائل مذهبی. بعلت توسعه روابط اجتماعی و توسعه علوم و افکار و احتیاجات مادی و معنوی اسنان. رفته رفته مساله تخصص را در تاریخ اسلام پدید آورد.

این است آنچه که میخواهم مطرح کنم. و این همان چیز است که مفکر و معقدیه من در جایی دیگر و با - مستمعینی دیگر مطرح میکند و باید بین حق بدد که چون با مخاطب هایی دیگر - که از نظر فکری و فرهنگی و سستی با مخاطبهای او

و شیعی. حقایق ثابت و لایتغیر است. و آنچه که باید تغییر کند نوع اعتقاد و کیفیت ابزار زمان. وسائل مادی و معنوی و شکل. شیوه و نوع کوششی که در احیاء و حفظ و شرابین حقایق ثابت داریم. است. چه اگر کسی معتقد باشد که باقتضای زمان باید در اصول اعتقادی. یا عملی اسلام - تغییراتی ایجاد شود. نمی توان معتقد به دیش شناخت. اما شاید بتوان بعنوان یک رهبر. یک متفکر. و یا کسی که برای جامعه اش نیت خیری دارد. پذیرفت.

همه فرقه‌ها و جناحها و پیش های مختلف شیعی و اسلامی. در این اعتقاد با هم مشترکند که «اصولی که از قرآن و سنت بیرون میآید - اصول اعتقادی و عملی - لایتغیر است. اما در مورد نوع دفاع و ارائه و طرح این اصول ثابت است که میان پیش های مختلف - در تشیع و در تسنن - اختلاف است.

این است که گروهی - چون ما معتقدند که حقیقت ثابت اسلام. و اصول و ارزشهای لایتغیر تشیع را باید در تجلی فهم های متحول زمان ریخت و بر حسب زبان علمی و پیش اجتماعی و نیازها و دردها و مشکلات زمان. و باعتبار این مسائل و واقعیات عینی. طرح کرد چرا که اسلام. وحی. همچون نکه ای از وجود و مثل طبیعت است و اصولش ثابت. اما این علم است - یعنی رابطه ما با واقعیت خارجی - که در حال تغییر و تحول و تکامل است. و با تحول و تکامل اینهاست که اصول ثابتی که طبیعت را میسازد و قوانین علمی نام دارد. روشن میشود.

وحی - مجموعه آنچه که نازل شده است - و القبتی است ثابت و علمی و لایتغیر. و این علم ماست به این - واقعیت - قرآن - و نوع برداشت و فهمیدن و تفسیر کردن و عمل و تبلیغ کردنمان. که باید بر حسب تکامل و تغییر پس. و اختلاف وضع نظامها. دردها و نیازها. تحول و تکامل پیدا کند.

این است آنچه که میخواهم مطرح کنم. و این همان چیز است که مفکر و معقدیه من در جایی دیگر و با - مستمعینی دیگر مطرح میکند و باید بین حق بدد که چون با مخاطب هایی دیگر - که از نظر فکری و فرهنگی و سستی با مخاطبهای او